

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نذیر دلسوز
۱۹ می ۲۰۱۴

داکتر رمضان بشر دوست آرایشگر دولت دست نشاندۀ امپریالیزم امریکا در افغانستان

زمانی که امپریالیزم بنابر خصلت استعماری خود به یک کشور – غرض تاراج منابع مادی و داشته های فرهنگی و.... آن - تجاوز و آن را اشغال می نماید؛ در گام نخست بخشهای بالائی ساختار های دولتی آن را که از پیش مورد بررسی قرار داده ، از بدنه ماشینی به نام دولت کنده ، یا به دور می افکند ، و یا با نمایشاتی عوام فریبانه گردانندگان پیشین آن ماشین را [در گام اول عناصر متعهد به مردم و احیاناً آن بخش از طبقات حاکمه را که منافعش با امپریالیزم در تضاد قرار گرفته باشد ، مثل صدام در عراق] گویا به محاکمه کشانده چند تایی آن را به اعدام و یا به حبس های بلند محکوم می کند . آنگاه گروه های بومی کشور اشغال شده را که از سالها پیش زیر آموزش و پرورش حرفه ئی های خود قرار داده بود [و در افغانستان مثل کرزی ، قیوم کرزی ، غنی احمد زی ، حشمت غنی احمد زی ، زلمی رسول ، هدایت امین ارسلان، رحیم وردک ، خلیل زاد و امثالهم] را به اشکال و انواع مختلف زیر نام انتخابات به مقام های حساس و کلیدی نصب می نماید . آنگاه به تعویض و ترمیم بخشهای پائینی بدنه این ماشین – به زدوترین فرصت ممکنه – دست می یازد ؛ حتا طیف های مختلف افراد بومی کشور اشغال شده با سویه های متفاوت را که از سالهای پیش با ترفند های امپریالیستی و ادار ساخته شده اند کشور شان را به خاطر زنده ماندن ترک گفته ، با یک جهان مشکلات درد و اندوه در کشور های غربی پناهند شده اقامت اختیار کرده اند ؛ با شیوه هایی که نتیجه مطلوب از آن به دست آمده ؛ به نظام خود باورمند و وابسته ساخته ، تمام شان را در حالت آماده باش نگهداشته بود، به گونه مثال زمانی که ارتش اشغالگران ضرورت به ترجمان – زبان های خودی احساس کردند به صد ها تن - اکثرأ خلقی پرچمی خادی ؛ حتا اخوان جهادی - سر از آخور شان در کشور های امپریالیستی بلند نموده چهار نعل خود شان را در خدمت ماشین عظیم جنگی ۴۷ کشور متجاوز قرار داده اند و ناظر شکنجه های وحشیانه هموطنان شان توسط سربازان اشغالگر کشور های امپریالیستی شده اند. [۱]

در هر حال به طور فشرده باید نوشت که در تمام عرصه ها (نظامی – اقتصادی – سیاسی - فرهنگی -تکنولوژی (به خصوص تکنولوژی استخراج منابع زیر زمینی ، عمرانی ، مخابراتی ، هواشناسی ، کمپیوتری و....) تدارکات حاضر و آماده اش را با خود به کشور ما انتقال داد .

در زمینه نقد و انتقاد از دولت دست نشاده اش هم بی توجه نماند ؛ زیرا تجربه داشت و می دانست که به نخبه های تحصیل یافته که بتوانند نقش منتقدان دولت دست نشاده اش را به درستی ایفاء نمایند ، هم ضرورت است ، تا بتوانند نقش دراماتیک شان را به خاطر "دیموکراسی" [آورده شده] موفقانه بازی نمایند و هموطنان ساده اندیش و خوشباور شان را

به چنین دموکراسی [دموکراسی امپریالیستی] باورمند بسازند و شما آقای داکتر بشر دوست شامل همین طیف اخیر الذکر می باشید که از کشور فرانسه به افغانستان تشریف آوردید .

ابعاد عدیده و سایه روشن های شخصیت پر سر و صدا و به اصطلاح "سیاسی" و گویا "مبارزاتی" شما را مبارزان همه جانبه نگر [آقای « عزیز نعیمی» و قلم به دستان پورتال « افغانستان آزاد - آزاد افغانستان »] آنطوری که لازم بوده ارزیابی نموده اند که این قلم نمی تواند نبشته های آنها را دوباره باز تولید و بازتاب دهد؛ اما یک نکته بس مهم که از قلم بران و پردرخشش آنها باز مانده ، بگذار من به آن مختصراً اشاره نمایم :

اقای داکتر رمضان شما که دوکتورای تان را در رشته حقوق و علوم سیاسی از پوهنتون (یونورستی) «تولوز» فرانسه گرفته اید ؛ آیا واقعاً نمی دانستید که فرق بین زلزله (زمین لرزه) و لغزش زمین چیست ؟ چرا در نوشته تان لغزش زمین را زلزله قلمداد کرده اید؟ آقای بشر دوست با در نظر داشت تحصیلات تان در فرانسه آیا شما واقعاً یک آدم ساده و پیاده و مردمی هستید و یا از آن سنخ اید که در متن نوشته این قلم تذکار یافته؟

آیا به صفحات انترنت توجه کرده اید و دیده اید که «ویکی پدیا» ژئومورفولوژی را که به انگلیسی : (Geomorphology) گفته می شود ؛ چگونه تحریف کرده :

[« ژئومورفولوژی به انگلیسی : Geomorphology از سه واژه یونانی geo به معنای زمین، morphe به معنای شکل و logos به معنای دانش یا شناخت تشکیل شده است.¹¹ در زبان فارسی برابرهای گوناگونی برای بیان یا توصیف اصطلاح ژئومورفولوژی به کار برده اند که از آن جمله می توان به زمین ریخت شناسی، پیکر شناسی زمین، شناخت ناهمواری های زمین، شناسائی عوارض زمین، زمین شکل شناسی، زمین شناسی سطحی و... اشاره نمود. «] حالا ببینیم لغزش زمین را "ویکی پدیا" چگونه تعریف می کند :

[«زمین لغزش یا رانش زمین یا زمین لغزه به حرکت لایه های رسوبی غیر مترکم و مترکمی بر روی سطح شیب دار که ناپایدار شده اند حال به دلایل متفاوت مانند زمین لرزه یا راه سازی به سمت پائین را گویند.»] از خود اضافه نمایم : یا انفجار به خاطر دست یابی به ذخایر زیر زمینی لغزش صورت می گیرد .



نه ، آقای داکتر بشر دوست شما در خیمه تان نشسته در خلال سخنانتان عوام فریبانه می گویند که مرز های افغانستان را تا سرزمین های از دست رفته اش یعنی خوقند و سمرقند و بحر هند گسترش می دهید و حالا هم معلوم نیست برای چند صدومین بار باز هم عوام فریبانه می فرمائید :

« زمین لرزه و یا به اصطلاح عامیانه زلزله وحشتناک در ولسوالی آرگو [ی] بدخشان جان شترین [شیرین] هزاران هم وطن ما را گرفت »

جمله بالا در ظاهر جمله خبری و تأثر آور است که شما برای بیان خواسته تان که در زیر آن را مطرح نموده اید ؛ ابراز داشته اید ؛ مگر از لحاظ سیاسی این جمله که واقعیت عینی را رندانه تحریف نموده تنها با نوشتن زمین لرزه (زلزله) به گونه نهایت ظریفانه؛ اما خاینانه دولت مزدور کرزی را بری الزمه قلمداد می نماید یا به بیان رساتر به مردم ساده اندیش و خوشباور ما می رساند :

« ای برادران هموطن شما که شکر خدا همه تان مسلمانان صادق و خدا پرستان واقعی هستید بهتر می دانید که هیچ پدیده ، هیچ حادثه و رخدادی در جهان بدون اراده ذات پروردگار عالمیان نمی تواند به وقوع بپیوندد . البته این خواست خدا بود که به گاو امر کرد که شاخش را کمی تکان بدهد تا صدها پیر و جوان و زن و مرد و کودک در کام زمین فرو بروند . ای مردم ! مگر همین خداوند ما نبود که شهر لوط را زیر و زیر کرد . این گناه و تقصیر دولت اسلامی ما که من زمانی وزیرش بودم نیست . این کار خداوند است نباید اعتراض کرد که کافر می شویم . پس بدانید و آگاه باشید و به حرف های میان خالی دشمنان دولت اسلامی تان و دشمنان رمضان بشر دوست که در خدمت تان قرار داشته و کار های نادرست دولت را به نقد می کشد، توجه نکنید . ببینید که من با وجود این همه نقد و انتقاد خشن و توهین آمیز چگونه تا کنون زنده ام علتش هم این است که با یک دولت واقعا دموکراتیک سر و کار دارم . »

آقای بشر دوست دولت دست نشانده که توانسته برای حراست از رهبرش (کرزی) میلیونها دالر به بادیگارد های خارجی وی بدهد و قصر ظاهر شاه خاین را با صرف میلیون ها در تپه پغمان دوباره سازی نماید آن جنایتکاران اشغالگر مگر نمی توانستند قبل از انفجار هایشان به خاطر دست یابی به معادن کم نظیر آنجا به آن ناحیه های دچار لغزش شده بدخشان تفهیم می کردند که به کمک ما اشغالگران تمام شما ها را به جای امن انتقال می دهیم زیرا که خانه هایتان در معرض لغزش زمین قرار دارد . آنگاه به تراج لعل و گوهر نامدار تان و... سرزمین تان می پردازیم. پایان

[۱] _ من چند تن از اینها می شناسم یک تن از این ترجمان ها که از عوامل خادشورای نظار است برای آن شورا جاسوسی می کرد . زمانی که امران سربازان متوجه خیانت ترجمان می شود وی را مورد تجاوز قرار داده بعداً بیرونش می اندازند و دو باره به کلفرنیا تشریف می برد]

[نذیر دلسوز \(۱۸ می ۲۰۱۴\)](#)